**بررسی جرم خیانت در امانت در کدجزای 1396 و قانون جزای 1355 افغانستان**

نویسنده: پوهنیار انارگل منصوری[[1]](#footnote-1)

استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه هرات.

**چکیده:**

امانت از جمله تصرفات حقوقی است. قانون، شرع، مذهب و اخلاق حکم می­کند که امین در حفاظت و نگهداری مال امانی به نحوی توجه نماید که به مال خود توجه می­کند. به موجب ماده 1614 قانون مدنی و ماده 768 مجله الاحکام امانت ضمان ندارد آن­هم در صورتی­که بدون فعل و بدون تقصیر امین هلاک گردد. این مقاله به هدف بررسی نکات قوت و ضعف دو قانون و شناخت بهتر جرم خیانت در امانت در قانون جزای 1355 و کدجزای 1396 افغانستان با استفاده از روش تحقیق توصیفی- تحلیلی به انجام رسیده است و سعی شده، به این پرسش­ها پاسخ داده شود که آیا خیانت کردن در تمام امانات جرم محسوب می­شود؟ رفتارهای مجرمانه کدام ها اند؟ مسؤلیت جزایی و مدنی مرتکب این جرم، چه خواهد بود و نهایتا این­که نکات اشتراک و افتراق قوانین مذکور چیست؟ نتایج مطالعات و تحلیل مواد قوانین فوق الذکر نشان می­دهد که محدودۀ اعمال مجرمانه در قوانین مذکور متفاوت است طوری­که جرم خیانت در امانت در قانون جزا مواد 466- 467 و 468، اصولا یک جرم جنحوی و استثناء یک جنایت دانسته شده است و در مواد 720 الی 724 کدجزا، در تمام حالات یک جرم جنحوی است. هم­چنین این جرم از جمله جرایم آنی و مقید است که رفتارهای مجرمانه در کدجزا نسبت به قانون جزا متفاوت بوده و در این زمینه کدجزا نوآوری­های زیادی دارد. این جرم در هر دو قانون، ازجمله جرایم عمدی محسوب می­شود. معیار تعیین مجازات این جرم در این قوانین متفاوت است. طوری­که مجازات این جرم در قانون جزا کلی و مبهم ذکر شده بود و امکان سؤ استفاده از آن وجود داشت و درکدجزا، معیار تعیین مجازات، ارزش و قیمت مال امانی بوده و مرتکب این جرم به تناسب ارزش مال مجازات می­شود. در قانون جزا صور خاص جرم خیانت در امانت وصف مشخص نداشت اما این صور خاص در کدجزا تحت عنوان: جرایم در حکم خیانت در امانت صراحتا توصیف گردیده است.

**واژگان کلیدی:** امانت، جرم، خیانت، قانون جزا، کدجزا، مجازات.

**مقدمه**

مطالعه تاریخ حقوق نشان می­دهد یکی از نیازهای متعارف بشر در هر دوره و زمانی همانا احتیاج مبرم آدمی به امانت­گذاری اموال و اشیاء در نزد دیگری به هدف محافظت و نگهداری آن­ها یا به منظور نقل و انتقال آن­ها از نقطه­ای به نقطۀ دیگر یا برای رفع معایب و نواقص آن و یا انجام کاری به صورت امانت، ودیعه، عاریت، مضاربت، وکالت و نظیر این­ها بوده است و همین امر خصوصیت امانت داری را به عنوان یکی از صفات پسندیده اخلاقی و مذهبی در طول تاریخ حیات بشر، مطرح کرده و مورد تأکید قرار داده است. علاوه بر آن از نظر اجتماعی نیز پای­بند بودن به صفت امانت­داری باعث تقویت حس اعتماد، برقراری ارتباط سالم بین افراد جامعه و بقای زندگی اجتماعی شده است.

امانت از جمله تصرفات حقوقی است که به وفور درزندگی روزمره افراد به کار می­رود. پارک کردن موتر در پارکینگ شخصی، سپردن پول یا جواهرات در بانک، به امانت گرفتن لوازم خانه یا وسایل نقلیه به دوستان یا اقوام همه از مصادیق امانت به حساب می آید، به شیوه­های گوناگونی اموال و اشیاء منحیث امانت قرار می­گیرند. شخص ممکن است به اساس توافق مالی را به امانت بگیرد که این عقد در فقه و قانون مدنی افغانستان ودیعت نام­گذاری شده است. گاهی هم ممکن است شخص مالی را به حکم قانون (تعهد پدر و پدر کلان به اداره و مراقبت از اموال صغیر) و یا به موجب حکم محکمه ذیصلاح ( تعهد امین به سرپرستی و مراقبت از اموال غایب و مفقود)، به عهده بگیرد. شخصی که وظیفه مراقبت از مال را به عهده می­­گیرد، امین گفته می­شود، مسئولیت وی از زمان تسلیم شدن مال به وی آغاز می­گردد و قانون، شرع، مذهب و اخلاق حکم می­کند که وی در حفاظت و نگهداری از مال به نحوی توجه نماید که به مال خود توجه می­کند.

در آیات متعدد قران­کریم به رعایت امانت داری تأکید شده مثلا: درآیت ۵۸ سوره نساء آمده است: « اِنَّ اللهَ يامَرکُم اِن تودوا الاماناتِ الي اَهلِها». خداوند به شما امر مي­کند که امانت­ها را به صاحبانشان بازگردانيد ». خیانت در امانت از دیدگاه دین مبین اسلام یک عمل قبیح، زشت، ممنوع و از زمره گناهان کبیره محسوب ­شده است. و چنین در آیت ۲۷ سوره انفال مورد نکوهش قرار گرفته است: « يا اَيها الذّينَ آمَنوا لا تُخونوالله و الرَسولِ وَ تُخونُوا اماناتِکُم وَاَنتُم تَعلَمُون» اي کساني که به خدا ايمان آورده ايد به خداوند و فرستاده او خيانت مکنيد و به امانت­هاي يک­ديگر نيز خيانت نورزيد در حالي که از زشتي اين کار آگاهيد». موضوع خيانت در امانت در احاديث شریف نیز مورد نهي قرار گرفته، چنان­چه پيامبر اسلام (ص) مي­فرمايند: «چهار خصلت است که هر کس همه آن چهار خصلت را دارا باشد، منافق محض است و هر کس يکي از آن چهار خصلت را دارا باشد، خصلتي از نفاق دارد تا هنگامي که آن را ترک کند و آن چهار خصلت عبارتند از: وقتی صحبت می­کند، دروغ بگوید. وقتی امانت به او سپرده شود، خيانت کند. وقتی عهد می­بندد، پيمان شکني کند. و در وقت منازعه دشنام می­دهد» (دستغیب،1363: 343).

به موجب ماده ۱۶۱۴ قانون مدنی و ماده 768 مجله الاحکام، مال ودیعه امانت است و ودیعت­گیرنده، ضامن از بین رفتن آن نمی­باشد، مگر این­که از بین رفتن آن در اثر تجاوز یا تقصیر ودیعت­گیرنده صورت گرفته باشد. مثلاً وقتی امین بدون اجازه مالک، مال آن را استعمال و استهلاک نماید و یا به شخص دیگری به امانت بگذارد مکلف به پرداخت جبران خساره است. علاوه بر آن گاهی ممکن است در اثر فعل یا ترک فعل عمدی امین ( در صورت تکمیل شرایط قانونی )، مسئولیت جزایی نیز بر وی مرتب گردد که تحت عنوان جرم خیانت در امانت در قوانین جزایی جرم انگاری می­شود

**تعریف امانت**

امانت از کلمه« امن» مشتق شده است و این امن محصول حسن ظن به طرف امانت­دار می­باشد. پس لازم است او نیز همواره در حال حسن ظن بوده باشد و خیانت نمودن بر او حرام می­باشد. از امانت تعاریف مختلف شده است، طوری­که « مال مورد ودیعه را امانت گویند یا هر مالی­که بوسیله­ی یکی از عقود امانی و یا به حکم قانون بصورت امانت در دست کسی باشد مانند مال مورد مضاربه که در دست مضارب امانت است( جعفری لنگرودی، 1388: 79). امانت به مال یاچیزی گفته می­شود که به کسی برای نگهداری نمودن سپرده شده باشد( معین، 1387: 159).

امانت و ودیعت تفاوت دارند. امانت مفهوم عام و وسیعی دارد و شامل هر چیزی است که در نزد امین موجود باشد. خواه امانت به عقد استحفاظ باشد مانند ودیعه، یا امانت در ضمن عقد صورت گیرد مانند مأجور و مستعار و یا این­که بدون عقد و قصد به طریق امانت در اختیار شخص قرار گیرد مانند مال همسایه توسط باد در خانه­ی مجاور آن پرتاب گردد، در حالی­که این امانت بدون عقد صورت گرفته ودیعت نیست بلکه امانت محض است. اما ودیعت مفهوم خاص دارد و « فقط شامل مالی است که نزد شخص بخاطر حفاظت گذاشته می­شود»( مواد 762 و 763 مجله الاحکام). ماده 1609 قانون مدنی ودیعت را چنین تعریف می­کند:« ودیعت عقدی­ست که بموجب آن مالک صلاحیت حفظ مال خود را به دیگری تفویض می­نماید و مالی­که طور امانت نزد شخص دیگری جهت حفاظت گذاشته می­شود، ودیعت نامیده می­شود». در این نوشته منظور از امانت، همان ودیعت است که در قوانین جزایی افغانستان جرم دانسته شده است.

**تعریف خیانت**

خیانت در لغت به معنای غدر، مکر، نقض عهد و پیمان شکنی و هم­چنین به معنای مخالفت پنهانی با حق و پیمان است و خیانت در امانت، استعمال مال مورد امانت توسط امین در جهتی که منظور صاحب مال نبوده باشد( معین، همان: 208). کاربرد لفظ استعمال در این­جا عام است و شامل تصاحب، تلف و تصرف نیز می­شود. کسی که دست به چنین رفتاری بزند به او خائن گفته می­شود.

**تعریف و جایگاه جرم خیانت در امانت در قوانین جزایی افغانستان**

در مورد تعریف جرم خیانت در امانت باید گفت: قانون­­گذار برای تعریف و تبیین یک جرم از سه شیوه استفاده می­کند. شیوۀ اول: جرم را مستقیماً تعریف می­کند مانند: تعریف سرقت در ماده 699 کدجزا. شیوۀ دوم: جرم را صراحتاً تعریف نکرده بلکه مرتکب آن را معرفی می­کند مانند: فریبکاری ماده725 ، خیانت در امانت ماده 720 . شیوۀ سوم: جرم و مجرم را تعریف نمی­کند بلکه با ذکر مصادیق، مجازات جرم را مشخص می­کند مانند: جرم چپاول­گری در ماده 714 کدجزا. قانون­گذار در هیچ یک از قوانین جزایی افغانستان جرم خیانت در امانت را مستقیماً تعریف نکرده است بلکه از دیگر شیوه­های فوق الذکر استفاده به عمل آورده است؛ طوری­که: قانون جزای 1355 افغانستان برای تعریف جرم خیانت در امانت از شیوه­ی سوم استفاده نموده، فقره(1): « شخصی­که مال منقول غیر نزد او امانت گذاشته شده باشد، یا به هر نحو دیگری که مال مذکور به او سپرده شده باشد آن را به سؤ نیت برای خود یا برای منفعت شخص دیگر استعمال نماید یا مخالف قانون و مقررات به خلاف غرضی­که به او سپرده شده در آن به سؤ نیت تصرف نماید، حسب احوال به حبس متوسط یا جزای نقدی که از دوازده هزار افغانی کمتر و از شصت هزار افغانی بیشتر نباشد محکوم می­گردد»( ماده 466 قانون جزا).

قانون­گذار در کدجزای 1396 برای تبیین و تعریف جرم خیانت در امانت از شیوه­ی دوم استفاده نموده و به معرفی مرتکب جرم می­پردازد و چنین مشعر است: « شخصی­که پول یا مال منقول یا سند یا مهر یا امضاء را که به اساس توافق، قرارداد، حکم قانون، یا حکم محکمه به وی امانت سپرده شده است، برای خود یا منفعت شخص دیگری استعمال یا تصاحب کند یا آن­ها را با سوء نیت تلف یا پنهان سازد یا در آن­ها طوری تصرف کند که به صاحب مال ضرر وارد شود، مرتکب جرم خیانت در امانت شناخته شده، مطابق احکام این فصل، مجازات می­گردد» ( ماده 720 کدجزا ). با توجه به مواد فوق الذکر می­توان جرم خیانت در امانت را چنین تعریف نمود: « خیانت در امانت عبارت است از استعمال، تصاحب، تصرف، پنهان نمودن و تلف کردن عمدی مال امانی توسط امین به ضرر مالک یا متصرف قانونی». جایگاه این جرم در دسته­بندی جرایم در قوانین جزایی افغانستان متفاوت است طوری­که در قانون جزای ۱۳۵۵ خیانت در امانت ازجمله جنایات و جنح ضد افراد و در کدجزای 1396 از جمله جرایم ضد اموال محسوب می­شود.

**قلمرو موضوعی امانت**

قلمرو موضوعی امانت بسیار وسیع می­باشد که به گونه­های مختلف مال و اشیاء متعلق به دیگران منحیث امانت در اختیار دیگری (امین) قرار می­گیرد؛ اماناتی که مبتنی بر اراده و خواست طرفین می­باشد بنام امانات قراردادی و اماناتی که بدون دخالت ارادۀ اشخاص بر اساس عرف، حکم قانون، حکم محکمه یا حکم شرعی ایجاد می­شود بنام امانات قهری یاد می­شود(همان: 168).

امانت مالکانه یا قراردادی همه‌ی معاملاتی را که از طرف مالک یا وکیل واقع می‌شود، در بر می‌گیرد. چه از جهت تملیک منفعت و عطا کردن عین باشد (مثل اجاره)، چه تملیک انتفاع مجانی باشد (مثل عاریه)، چه عطا کردن برای حفظ بدون تملیک منفعت یا انتفاع باشد (مثل ودیعه)، چه عطا کردن بر این­که عامل از او به حصه‌ای سود ببرد (مثل مضاربه)، چه این­که به حصه‌ای از حاصل در آن زرع کند (مثل مزارعه) و ... در تمامی این موارد، چه معامله به نفسه از جانب مالک واقع شود و چه از جانب وکیل، مال نزد دارنده‌ی آن امانت مالکانه است و تلف آن در صورتی موجب ضمانت خواهد گردید که تعدی و تفریط در آن صورت بگیرد( بجنوردی، 1383: 16).

امانت شرعی آن است که استیلاء بر عین، با درخواست و اذن مالک نباشد و بر وجه ظلم و عدوان هم تحت اختیار شخص قرار نگرفته بلکه یا قهری بوده مثل این­که باد یا سیل آن را داخل ملک شخص نموده به قسمی که تحت تسلط و ید او قرار گرفته یا این­که خود مالک، عین را تسلیم نموده لکن نه خودش و نه طرفی که آن را گرفته هیچ یک اطلاع نداشته‌اند، مثلاً شخصی صندوقی را خریده و در داخل آن چیزی بوده که فروشنده خبر نداشته یا این­که فروشنده و خریدار در موقع تصفیه حساب اشتباه کرده‌اند و فروشنده زائد بر حقی به مشتری داده یا بالعکس، و یا این­که تحت اختیار قرار دادن عین با اجازه‌ی شرع بوده، مانند لقطه(مال یافته شده که صاحبش مشخص نیست) یا آنچه که از دست دزد یا غاصب گرفته، برای این­که به صاحبش برساند و یا این­که مال از اشخاص قاصر مثل طفل یا دیوانه بوده که حفظ نماید و البته این در موردی است که اگر در دست آنها بماند، خطر تلف باشد و یا این­که مال محترمی است که در معرض هلاک و تلف است مثل حیوانی که در محل وجود درنده یا محل سیل واقع شده و مالکش هم معلوم است. در تمام موارد مذکور، مال در دست کسی که بر آن استیلاء دارد امانت شرعی است و باید آن را حفظ کند و در اولین فرصت به صاحبش برساند هر چند مطالبه نکرده باشد و اگر قبل از این­که به مالک بدهد، در دست او تلف شود، ضامن نیست مگر این­که تعدی یا تفریط کرده باشد( کاتوزیان، 1389: 8).

با توجه به مطالب فوق، سؤالی­که مطرح می­شود این­است که آیا خیانت کردن در تمام این امانات مطابق قوانین جزایی افغانستان جرم دانسته می­شود و مجازات قانونی دارد؟ در جواب باید گفت از نظر شرعی خیانت در تمام انواع امانات حرام بوده و گناه و معصیت دانسته می­شود. اما از نظر قوانین جزایی می­توان گفت از یک طرف با توجه به این­که قانون­گذار در قانون جزا و کدجزا ماده 720 به صورت کلی از عبارت توافق، قرارداد، حکم قانون و حکم محکمه استفاده نموده است که مشعر به این امر می­باشد که هرنوع استیلای که امین از نظر حقوقی برمال شخصی دیگری پیدا نماید امانت صدق می­کند. از طرف دیگر در این ماده، قانون­گذار، قید «سپرده شدن» به شخص امین را تصریح نموده که در این صورت صرف اسیتلای امین برمال مالک، موجب تحقق امانت نخواهد شد بلکه وجود « رابطۀ حقوقی امانی» شرط تحقق این جرم می­باشد. به این ترتیب این جرم دارای مختصاتی است که جهت شناسایی و تشخیص آن لازم است عناصر متشکله اختصاصی اش مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد.

**عناصر متشکله جرم خیانت در امانت در قانون جزای 1355 و کدجزای 1396 افغانستان**

تمام جرایم دارای عناصر متشکله عمومی اند و عناصر اختصاصی یک جرم، تطبیق عناصر عمومی بر یک جرم خاص و به شکل اختصاصی است که سبب تمایز جرایم از یکدیگر می­شود. اینک برای شناختن ماهیت حقوقی جرم خیانت در امانت به روش علمی مانند هر جرم دیگری ، عناصر اختصاصی این جرم در قانون جزای 1355 و کدجزای 1396 مورد بررسی قرار می­گیرد زیرا اصولاً شناخت هر جرمی به کمک تشخیص عناصر سه­گانه اعم از عنصر قانونی، عنصر مادی و عنصر معنوی و دیگر خصوصیات خاص آن جرم امکان­پذیر خواهد بود. اهمیت این بررسی آن است که باعث شناخت نکات قوت و ضعف دو قانون و شناخت بهتر این جرم می­شود.

**عنصر قانونی جرم خیانت در امانت**

عنصر قانونی، مقدم بر عناصر مادی و معنوی است. یکی از شرایط تحقق عنصر قانونی جرم، آن­است که جرم دقیقاً مطابق نص قانون باشد یعنی همه­ی شرایطی را که در قانون بیان شده است، دارا باشد. درقوانین جزایی افغانستان با پیروی از اصل « قانونیت جرایم و مجازات­ها»، عنصر قانونی جرم خیانت در امانت در فصل هفدهم باب دوم قانون جزای 1355 مواد( 466 الی 468 ) و در کدجزا، فصل سوم از باب نهم مواد ( ۷۲۰ تا ۷۲۴ ) تصریح شده است طوری­که مواد قانون جزا، عناوین مشخص ندارد ولی مواد کدجزا عناوین مشخص دارد چنان­چه ماده ۷۲۰ به بیان موضوع، اوصاف و عناصر جرم خیانت درامانت، ماده ۷۲۱ مجازات این جرم، ماده ۷۲۲ به بیان یک حالت خاص، ماده ۷۲۳ حالات مشدده و ماده ۷۲۴ به جرایم در حکم خیانت در امانت پرداخته است.

**عنصرمادی جرم خیانت در امانت**

جرم خیانت در امانت از لحاظ عنصر مادی یک جرم آنی و مقید است. بر اساس ماده 33 کدجزا که مفهوم عنصر مادی جرم را احتوا می­کند، جرم خیانت درامانت دارای اجزاء و شرایط است. اول: اجزای عنصر مادی این جرم، عبارت از رفتار فیزیکی ( عمل مجرمانه)، نتیجه مجرمانه و رابطه سببیت است و دوم: شرایط آن، اوضاع و احوالی است که وجود یا فقدان آنها از نظر قانون شرط تحقق این جرم می­باشد و شامل: موضوع جرم، وجود رابطه حقوقی امانی، طرق سپرده شدن مال به امین و تعلق مال به غیر می­شود، اینک هر یک از این موارد مورد بررسی قرار می­گیرد.

**. رفتار فیزیکی( اعمال مجرمانه)**

جرم خیانت درامانت می­تواند اصولاً با ارتکاب عمل و استثناء با امتناع از عمل ارتکاب یابد. رفتار مجرمانه­ی جرم خیانت در امانت در قانون جزای ۱۳۵۵ سه عمل ( استعمال، تصرف و پنهان نمودن مال) ذکر شده بود و مصادیق دیگر نداشت. به عبارت دیگر، دو مصداق تصاحب و تلف­نمودن مال از نوآوری­های کدجزا است. بر مبنای ماده ۷۲۰ کدجزا، خیانت درامانت توسط انجام یکی از اعمال پنج­گانه ( استعمال، تصاحب، تصرف، پنهان­نمودن و تلف کردن عمدی مال امانی )، تحقق می­یابد. دیده می­شود رفتارهای مجرمانه در کدجزا کامل­تر است بناءً این رفتارها جهت تبیین این جرم مختصرا توضیح می­گردد.

**استعمال:** منظور از استعمال مصرف کردن یا مورد استفاده قراردادن غیرمجاز مال مورد امانت است به نحوی­که به توان گفت مرتکب از مال مورد نظر « سؤ استفاده» نموده است، خواه سوء استفاده با بقای عین همراه باشد، خواه عین مال از بین برود و یا بعضاً و یا کلاً تلف شود. به عبارت دیگر مراد از استعمال، به کار بردن مال امانی در هدفی غیر از آن­چه بر روی آن توافق شده است، می­باشد. استعمال گاهی مستلزم از بین رفتن مال مورد امانت است مانند مواد غذایی که در این حالت، تلف نمودن نیز صادق است. گاهی استعمال موجب از بین رفتن نمی­شود هرچند ممکن است موجب استهلاک تدریجی شود، نظیر استفاده از وسایل برقی مانند لب­تاب یا گوشی مبایل که موجب کسر فاحش قیمت آن بشود و یا شخصی­که مال مورد عاریت (موتر) را که قرار بوده در جایی خاصی استفاده شخصی نماید با آن مسافرکشی یا بارکشی نماید( حیدری، 1396: 308). لفظ استعمال در ماده 720 کدجزا مطلق است و هردو صورت را شامل می­شود، مهم آن است که برخلاف منظور و مقصود امانت­گذار مصرف گردد یعنی هر نوع رفتاری که « عرفا» سؤ استفاده از مال مورد امانی باشد، استعمال به حساب می­آید.

**تصاحب:** منظور از تصاحب، برخورد مالکانه کردن با مال امانت می­باشد یعنی امین مال مورد امانی را از آن خود انگاشته و اعمالی­که اصولاً و معمولاً مالک بر مال خود انجام می­دهد، او نیز انجام دهد. مثل این­که مال امانت را بفروش رسانیده یا به رهن بگذارد یا از استرداد آن خودداری نماید، یا آن را صدقه دهد یا هبه کند.

در خصوص تصاحب مال توسط خائن باید به دو نکته اشاره نمود؛ ا**ول**: این­که تصاحب معنای وسیعی دارد و تمامی اعمال و رفتارهایی که نشان­گر برخورد مالکانه با مال دیگری باشد، خیانت در امانت محسوب می­شود، البته شرط نیست که خائن تمامی اموال را صاحب شود بلکه اگر از استرداد قسمتی یا تعدادی از اموال امانی هم خودداری کند، جرم خیانت در امانت واقع می­شود. مثلا: اگر در نزد امین 10 عدد گوشی مبایل به امانت گذاشته شود و او تنها از استرداد یک عدد خودداری کرده و تصاحب کند، مرتکب جرم خیانت در امانت شده است**. دوم**: این­که تصاحب از طریق افعال مثبته ( ادعای مالکیت، گرو گذاشتن و انتقال به غیر) محقق می­گردد، از سویی، اگر مالی توسط مقام صالح قانونی به کسی سپرده شده باشد مانند اموالی که به حافظ یا به شخص قیم سپرده می­شود، حافظ یا قیم مال را انکار کند، از تاریخ انکار، خائن شناخته خواهد شد( الهی منش و مرادی اوجقاز، 1397: 126).

**تلف:** تلف یعنی نابود کردن یا از بین بردن مال مورد امانت به هر وسیله­ی ممکن؛ چه با ارتکاب عمل از قبیل ( آتش زدن، شکستن، پاره کردن و....) و یا با امتناع ازعمل مثل ندادن آب و غذا به حیوانی که به امانت نزد امین می­باشد. تلف کردن کردن مال امانی ممکن است به مباشرت شخص امین (خائن ) صورت بگیرد مثل این­که شخصا کتاب مورد امانت را پاره کند یا لباس مورد امانت را بسوزاند و یا ممکن است که وی مسبب از بین رفتن مال امانی شود، مثلا قرار دادن گوسفند مورد امانت در نزدیکی حیوان درنده که موجب شود طعمه آن حیوان گردیده و به هلاکت برسد(میرمحمدصادقی، 1392: 176).

اتلاف مال خواه به صورت کلی باشد مانند سوزاندن تمام مواد سوختنی یا شکستاندن تمام وسایل شکستنی. یا اتلاف جزئی باشد مانند شکستن صفحه مبایل و یا از کار انداختن کلید صفحه آن؛ تلف کردن مال دیگری موجب اضرار صاحب مال می­شود. نکته ضروری این­که کاهش قیمت مال نیز از جمله مصادیق اتلاف قرار می­گیرد، یعنی هرگاه عملی بر مال واقع شود که در نهایت سبب کاهش فاحش قیمت مال مورد امانت شود، به نوعی اتلاف محسوب می­شود؛ مگر این­که کاهش قیمت در اثر گذشت زمان یا ناشی از عمل صاحب مال باشد که هیچ ارتباطی به امین نداشته باشد( الهی منش و مرادی اوجقاز، 1397: 138).

**پنهان کردن:** منظور از پنهان کردن این­است که مال امانت موجود است اما شخص امین(خائن) انکار کرده و ادعا می­کند که مال موجود نیست. بطور مثال، می­گوید: مال امانت مفقود شده یا تلف گردیده است و اثری از آن نیست در حالی­که ممکن است به دور از چشم مالک مال، آنرا مورد مصرف یا استفاده قرار دهد. قوانین جزایی بعضی از کشورها، مفقود نمودن مال را توسط امین، از جمله مصادیق جرم خیانت در امانت دانسته اند. نکته قابل ذکر این­است که میان عمل پنهان کردن مال و مفقود نمودن مال تقاوت وجود دارد. هر چند در پنهان کردن مال و مفقود نمودن مال، امین مال را از بین نمی­برد و فقط موجب می­شود که دستیابی مالک به مال عملا غیرممکن گردد، ولی در عمل پنهان نمودن، مال در جای معین و امن نگهداشته شده است در حالی­که در مفقود نمودن، جا و مکان مال، معین و مشخص نیست. البته مفقود نمودن مال در صورتی جرم دانسته می­شود که از روی قصد باشد. اگر مال از اثر اهمال و سهل­انگاری امین، مفقود گردد. در آن­صورت؛ عمل جرم نبوده و فقط جبران خساره دارد زیرا با خطا، جرم خیانت در امانت ارتکاب نمی­یابد.

**تصرف:** عبارت است از این­که مال تحت اختیار کسی باشد و او بتواند نسبت به آن مال در حدود قانون یا به عدوان تصمیم بگیرد. تصرف انواع مختلفی دارد مثل: تصرف به عنوان وقف، تصرف حقوقی، تصرف عدوانی و غیر قانونی، تصرف غاصبانه، تصرف قانونی و... تصرف امین در مال امانت بدون رضایت مالک یا متصرف قانونی مال، از جمله انواع تصرف عدوانی و غیر قانونی است(جعفری لنگرودی، 1388: 156).

تصرف نیازمند عنصر مادی و معنوی است. عنصر مادی وابسته به عرف است و تصرف اموال منقول و غیرمنقول مانند منزل، باغ یا موتر یا پول یا... عرفاً به شکل­های مختلفی است و عرف متصرف را کسی می­داند که سیطره بر مال داشته و بتواند هرگونه تصرفی در آن بنماید هر چند مادة یا شی در اختیار وی نباشد و از نظر مکانی، فاصله میان آن­ها وجود داشته باشد، مثلا داشتن کلید خانه، یا سوئیچ موتر، بگونه­ای که بتوان در آنها تصرف نمود، تصرف محسوب می­شود. عنصر معنوی هم به معنای ارادۀ تصرف است یعنی تصرف متصرف نباید اتفاقی و بدون آگاهی وی باشد. مالی­که به تصرف امین داده می­شود، جهت محافظت از مال است. پس اگر امین با سوءنیت در آن تصرف نماید، مرتکب جرم خیانت در امانت شده است(زراعت،1385: 129).

بررسی انواع رفتارهای مجرمانه فوق نشان می­دهد که جرم خیانت در امانت معمولاً جزء جرایم انتفاعی است اما از آن­جا که این جرم از طریق اتلاف نیز محقق می­شود، لذا به صورت مطلق نمی­توان آن را انتفاعی دانست بلکه در برخی موارد، اضراری نیز است؛ عنصر معنوی این جرم نیز مؤید این امر است زیرا در استعمال، تصاحب، پنهان­ و تصرف قصد انتفاع وجود دارد ولی در اتلاف ممکن است چنین قصدی وجود نداشته باشد بلکه ممکن است صرفا قصد اضرار وجود داشته باشد و آن­چه که در این رفتارها کفایت می­کند قصد تغییر تصرف امانی به تصرف مالکانه است و امینی که مال دیگری را تلف می­کند، چنین قصدی دارد زیرا فقط مالک است که می­تواند مال خود را تلف سازد.

**شرایط و اوضاع و احوال لازم برای تحقق جرم**

شرایط جرم با عناصر آن تفاوت دارد. منظور از شرایط، عناصر ثانوی هر جرم است. این عناصر ثانوی گاهی موجب تشدید (سرقت در شب) یا تخفیف( تحریک غیرحق مجنی­علیه) مجازات جرم، گاهی سبب تغییر وصف مجرمانه، ( مثل؛ هرگاه عملیات رباینده، مانور متقلبانه داشته باشد، جرم سرقت را به فریبکاری تبدیل می­کند) و حتی گاهی سبب تبدیل شدن جرم به عمل مشروع می­شود؛ مثلا: هرگاه ربایندۀ مال، سوء نیت نداشته باشد، عمل او سرقت محسوب نمی­­شود(زراعت، 1392: 46). برای تحقق جرم خیانت در امانت، قانون­گذار در ماده 720 کدجزا وجود شرایط مختلفی را برای جرم شناختن عملی که امین در مورد مال امانتی مرتکب می­شود، لازم دانسته که اهم آن قرار ذیل است:

**موضوع جرم خیانت درامانت:** علی الاصول احکام مربوط به جرایم علیه اموال برای حفظ اموال منقول است چون احتمال تعدی و تفریط این اموال بیشتر است هم­چنین وسیله تحصیل، عواید و منافع حاصل از اموال غیرمنقول هم در حکم اموال منقول تلقی می­شود( حبیب­زاده، بی­تا: 181). موضوع این جرم در ماده 466 قانون جزا، صرفا مال منقول ذکر شده بود وماده ۷۲۰ کدجزای افغانستان، موضوع این جرم را « پول، مال منقول، سند، مهر و یا امضاء» توصیف کرده است. به عبارت دیگر مادۀ فوق نشان می­دهد که موضوع جرم خیانت در امانت باید عین مال یا وسیلۀ تحصیل مال باشد.

سوء استفاده از راز خانوادگی یا از یک راز علمی که نزد دیگری سپرده شده یا اسرار دیگران، انتقال سخن از یک مجلس خصوصی به دیگران، استفاده نادرست از موقف و وظیفه، دست پیداکردن به اطلاعات محرم دیگران بدون اذن و دیگر اشیایی که ارزش معنوی دارند... جزء موضوع خیانت در امانت قرار می­گیرند اما موضوعجرمخیانت در امانت قرار نمی­گیرند بلکه موضوع جرم باید صرفا مال منقول و وسیلۀ تحصیل مال باشد؛ آن­هم بشرطی­که مال منقول و متقوم بوده و مادیت داشته باشد و قید مادی بودن به این دلیل است که فقط چنین مالی قابل نقل و انتقال و تصرف مادی می­باشد. ماده 1610 قانون مدنی مؤید این ادعا است: « شرط صحت عقد، ودیعت آن­است که شیء به ودیعت گذاشته شده بتواند و از طرف ودیعت­گیرنده تحت تصرف و ذوالیدی آمده قبض شده بتواند».

سند، مهر و یا امضاء وسیله­ی تحصیل مال به حساب می­آید؛ هم­چنین مهر و امضاء وسیله­ی برای ایجاد یک سند نیز محسوب می­شود اعم از اینکه سند رسمی یا سند عرفی باشد. به این ترتیب هرگاه کسی سند ملکیت موتر یا آپارتمان و یا باغی که نزد او به امانت بوده، تلف نماید، مرتکب جرم خیانت در امانت شناخته می­شود. یا اگر یک وکیل گذر یا یک وکیل مدافع مهر خود را به کسی امانت دهد و امین از این مهر سؤ استفاده کند، یا یک شخص صلاحیت امضای خود را به شخص دیگری محول کند، و امین از فرصت سؤ استفاده نموده و غیرقانونی از آن کار گیرد، مرتکب جرم خیانت در امانت شده است.

**سپرده شدن مال به امین به یکی از طرق قانونی**

در این شرط دو نکته حایز اهمیت است. اول این­که مال باید به امین سپرده شده باشد و دوم این­که طریقه سپردن مال باید قانونی باشد**. نکته اول**: لفظ « سپردن » در قانون مدنی افغانستان به مفهوم « تسلیم» بکار رفته است. در متن ماده466 قانون جزا و ۷۲۰ کدجزا لفظ (سپرده شدن) مال به امین صراحتا تذکر رفته است. بناءً نمی­توان یابنده اشیا یا حیوانات گمشده را در صورتی­که به تکلیف قانونی خود در مورد استرداد آنها عمل نکند، مرتکب جرم خیانت در امانت دانست. بلکه این عمل جداگانه در قسمت جرایم قباحات جرم انگاری شده و تحت عنوان« عدم تسلیم دهی مال یافت شده» در ماده ۹۰۷ کدجزا چنین صراحت دارد: « شخصی­که اسناد یا مال گم­شده را که قیمت آن بیش از یک هزار افغانی باشد، یافت نماید و در مدت یک هفته بدون عذر موجه موضوع را به صاحب مال یا اداره پولیس اطلاع ندهد، علاوه بر رد مال، به جزای نقدی ۵ هزار افغانی محکوم می­شود».

برای این­که مالی سپرده شده به امین محسوب شود، لازم نیست که عین آن مال به وی سپرده شده باشد. لذا وجه حاصل از فروش مالی که به امین سپرده شده است، یا وجه حاصل از نقد کردن چک سپرده شده و یا عواید و منافع حاصل از مال سپرده شده نیز به تبع خود مال، سپرده شده به امین محسوب می­گردند( میرمحمد صادقی، 1392: 186 ). مثلا: اگر کسی جواهرات خود را به کسی بدهد تا آن بفروشد و وجه حاصل از آن را به صاحبش مسترد کند یا به مصرف معینی برساند، هر نوع تصاحب و تصرف در این وجه حاصل از فروش جواهرات توسط شخص امین ، موجب تحقق جرم خیانت در امانت خواهد شد.

نکته­ی دیگر این­که ضرور نیست سپرده شدن عین اموال به امین به طور مستقیم باشد بلکه سپرده شدن به طور غیرمستقیم هم اعتبار دارد. به عبارت دیگر تسلیمی مال امانت به دو صورت حقیقتاً و حکماً صورت می­گیرد. قانون مدنی افغانستان به این موضوع چنین اشاره دارد: « شخصی­که مال ودیعت نزد وی گذاشته می­شود مکلف است که ودیعه را جقیقتاً یا حکماً تسلیم شود»( قانون مدنی، ماده 1611). مثلا: کسی که کلید خانه یا موتر خود را به دیگری می­دهد یا مسافری­که کلید اتاق خود را به هوتل­دار می­سپارد؛ در واقع با این کار، خود موتر یا اثاثیه و لوازم داخل خانه یا اتاق را حکماً به وی می­سپارد و در نتیجه، ارتکاب رفتار خائنانه نسبت به موتر یا اثاثیه و لوازم توسط دریافت کنندۀ کلید، موجب ارتکاب جرم خیانت در امانت می­شود. از نظر عرف هم تفاوتی بین سپرده شدن خود اجناس و سپرده شدن کلید محل نگهداری آن­ها وجود ندارد.

در مورد **نکته دوم** باید گفت، مقنن در قانون جزای 1355 طرق سپردن مال را به امین حصری تعیین نکرده بلکه اشاره به « عقد امانت و به هر نحو دیگری...» نموده است. از فحوای مادۀ مذکور بر می­آید که نحوه سپردن مال به امین اهمیت ندارد و مهم آن است که سپردن مال به امین باید به شکل مشروع بوده و توسط متصرف قانونی صورت بگیرد. اما کدجزا در این زمینه نوآوری دارد یعنی قانون­گذار در ماده 720 کدجزا علاوه بر این­که سپرده شدن مال را به امین شرط دانسته، تأکید نموده که طریقه سپردن مال به امین باید به یکی از طرق قانونی باشد؛ در غیر این­صورت مورد حمایت قانون قرار نمیگیرد. طرق قانونی سپردن مال به امین طبق صراحت ماده ۷۲۰ کدجزا شامل (..... توافق، قرارداد، حکم قانون و یا حکم محکمه .....) است. در مادۀ مذکور طرق سپردن مال به امین حصری است یعنی مالک یا متصرف قانونی مال، بصورت شفاهی (توافق) و یا کتبی(قرارداد) مالی را جهت حفاظت یا به مقصد استفاده معین به شخص امین بسپارد. یا مال طفل صغیر به حکم قانون به پدر یا پدر کلانش سپرده شود و یا این­که مال قاصر به حکم محکمه به شخص امین بعنوان امانت سپرده شود، در این­صورت هرگاه خلاف قانون عمل شود، جرم واقع می­شود.

ارائه دلیل برای احراز امر تصاحب، استعمال، تصرف، پنهان­نمودن و تلف کردن عمدی مال مورد امانت به هر وسیلۀ ممکن است و هیچ­گونه محدودیتی ندارد. در شرایطی که تعهد شخص امین محرز و مسلم باشد، برائت از تعهد بر عهده امین است ولی احراز قصد مجرمانه در عدم استرداد مال به عهده حارنوال می­باشد. هم­چنین اگر امانت بر اساس یکی از عقود ( قراردادها ) به امین سپرده شده باشد؛ احراز عقود و قراردادهایی که از شرایط قبلی و مقدم برای تحقق جرم خیانت در امانت است بر طبق ضوابط قانون مدنی و به وسیلۀ مراجع عدلی و قضایی به عمل می­آید( گلدوزیان، 1382: 346).

سؤالی­که در این خصوص مطرح می­شود آن­است که آیا هر نوع سپرده شدنی سبب تحقق جرم خیانت در امانت می­گردد یا نه؟ در جواب باید گفت که باید عنصر سپردن، عنصری « قانونی و مشروع » باشد یعنی باید توسط مالک مال و یا متصرف قانونی مال صورت بگیرد. بنابراین اگر مالی از سوی شخص فریبکار، سارق یا خائن به شخص دیگری سپرده شود، شخص به ظاهر امین از اموال مذکور سوء استفاده کند، جرم خیانت در امانت تحقق نیافته است؛ چرا که عنصر « سپردن » مجاز، قانونی و مشروع نبوده است و آگاهی و عدم آگاهی امین از این موضوع، هیچ تأثیری در وقوع جرم ندارد.

اگر امین فوت کند و ورثه­ی وی مال سپرده شده به مورث را تصاحب یا استعمال و....نمایند، آیا مرتکب جرم شده اند؟ طبق ماده 1622 قانون مدنی ورثه مکلف اند مال مورد امانت را بمنزله امانت حفظ نمایند« هرگاه شخصی­که مال ودیعه نزد او گذاشته شده وفات نموده و عین ودیعه در متروکه موجود باشد عین مذکور بمنزله امانت نزد ورثه تلقی گردیده به رد آن به صاحب ودیعه مکلف می­گردند». مادۀ مذکور نشان می­دهد که ورثه امین حکماً امین دانسته می­شوند زیرا وجایب و مکلفیت های امین به آن­ها تعلق می­گیرد. پس در صورت احراز سوء نیت ورثه و علم و اطلاع آن­ها از امانی بودن موضوع امانت، جرم خیانت در امانت تحقق می­یابد زیرا لازم نیست که سپرده شدن از سوی مالک مال صورت بگیرد بلکه ممکن است سپرده شدن توسط وکیل، مستأجر یا مستعیر به شخص ثالثی باشد( الهی منش و مرادی اوجقاز، 1397: 147). طرق قانونی سپردن مال به امین در ماده 720 کدجزا عبارت از: توافق، قرارداد، حکم قانون و حکم محکمه می­باشد. اینک هر یک با ذکر مثال توضیح می­گردد.

**توافق:** توافق به معنای موافقت لفظی بوده و یکی از طرق سپردن مال به امین می­باشد. اکثر امانات روزمره به این شیوه سپرده می­شود. این شیوه نیاز به تشریفات ندارد بلکه صرفاً موافقت امانت­دهنده و امانت­گیرنده کفایت می­کند. مثلا: شخصی، موتر خویش را در پارکینگ بازار یا تالار به شخصی می­سپارد که وظیفه نگهداری موتر­ها را به عهده دارد. یا شخصی به مسافرت می­رود و زیورآلات خود را به شخصی که او را امین می­داند، می­سپارد.

**قرارداد:** یکی دیگر از شیوه­های قانونی، سپردن مال به امین از طریق قرارداد است. منظور از قرارداد همان انواع عقود مدنی است که به صورت کتبی صورت می­گیرد. قانون­گذار در ماده 720 کدجزا، لفظ « قرارداد» را مطلق ذکر کرده است و شامل هر نوع عقد جایز و قانونی می­شود و جنبه حصری ندارد یعنی برقراری رابطه امانی در قالب تمام عقود ممکن است، مانند: عقد اجاره، عقد ودیعت، عقد وکالت، عقد عاریت، عقد رهن، عقد مضاربت و...

خیانت در امانت برای حمایت از حق مالکیت، جرم­انگاری شده است. بنابراین نتیجه و تعهدی که از عقود به وجود می­آید، تأثیری در آن ندارد و اگر عقد امانی به خاطر عدم اهلیت یا نامشروع بودن مال، باطل باشد، تأثیری در تحقق این جرم ندارد و متهم نمی­تواند برای برائت خود به بطلان عقد و عدم برقراری رابطه امانی، استناد نماید. هم­چنین اگر عقد امانی قبل از رفتار فیزیکی مجرمانه تبدیل به عقد امانی دیگر شود، تأثیری ندارد مثل اینکه اجاره تبدیل به وکالت شود اما اگر عقد امانی تبدیل به عقد غیرامانی شود، محلی برای وقوع جرم خیانت در امانت باقی نمی­ماند مانند این­که عقد وکالت تبدیل به عقد قرض شود زیرا تصرفات ناقص با ارادۀ دو طرف تبدیل به تصرفات کامل شده و یکی از عناصر جرم خیانت درامانت متزلزل می­شود( زراعت، 1392:243).

**حکم قانون**: طریقه سوم، حکم قانون می­باشد. هر جا که مقنن شخص را « امین» محسوب نموده و امین عملیاتی انجام دهد که مغایر با توافق فیمابین طرفین باشد یا از حد و حدود تعیین شده تجاوز نماید، خیانت در امانت محسوب می­گردد مانند ولی قهری ( ماده 268 قانون مدنی به بعد...) وصی( ماده 291 قانون مدنی به بعد...)، که در صورت تعدی و تفریط همراه با سوءنیت می­توان آن­ها را محکوم به جرم خیانت در امانت نمود.

**حکم محکمه:** طریقه چهارم، حکم محکمه است. در خصوص اماناتی که به حکم محکمه به امین سپرده شود، باید گفت: امین مسؤلیت هرگونه سوء استفاده از آن اموال را به عنوان جرم خیانت در امانت دارا می­باشد. مثلا: وصی قاضی طبق ( ماده 297 قانون مدنی به بعد...)، تعیین قیم( ماده 319 قانون مدنی به بعد...)، تعیین وکیل برای شخص غایب و مفقود( ماده 323 قانون مدنی به بعد...) به حکم محکمه مؤظف می­گردند که اموال اشخاص تحت وصایت، قیمومیت و وکالت را به نحو احسن سرپرستی نمایند. این اشخاص به حکم محکمه، امین شناخته شده اند و چنان­چه از حدود قانونی خویش فراتر رفته و با سؤ استفاده در اموال اشخاص مذکور تصرف نمایند، مرتکب جرم خیانت در امانت دانسته می­شوند.

**تعلق مال به غیر**

برای این­که جرم خیانت در امانت واقع شود، باید مال مورد امانت ملکیت غیر باشد. منظور از تعلق مال به غیر این است که مال متعلق به شخص امین نباشد(ولیدی، 1387: 171). در این­که تصرف در مال مشترک توسط یکی از شرکاء، خیانت در امانت است یا نه؟ بین حقوق­دانان اختلاف نظر وجود دارد. طرفداران نظر اول از دید شخص مرتکب به قضیه نگریسته و با توجه به شریک بودن وی در جزء جزء مال مشاع، ارتکاب جرم خیانت در امانت را از سوی او منتفی می­­دانند زیرا از نظر آنان شرط تحقق این جرم « تعلق مال به غیر» است و نه صرف « عدم تعلق آن به مرتکب». البته در چنین مواردی شریک، مسؤلیت مدنی دارد. طرفداران نظر دوم از دید قربانی (مجنی­علیه ) به موضوع نگاه می­کنند و با توجه به شریک بودن آن در جزء جزء مال مشترک، مرتکب را به ارتکاب جرم خیانت در امانت در مال مشاع محکوم می­کنند. طرفداران این نظریه، صرف « عدم تعلق مال به مرتکب» را موجب تحقق این جرم می­دانند. با مقایسه دو استدلال فوق معلوم می­شود که هر دو از قوت مساوی برخوردار اند و تنها زاویه­های دید در آن­ها متفاوت است یعنی انتخاب یکی از این نظریات به عنوان نظریه­ی برتر، مشکل است. هرگاه از دیدگاه « انصاف» و « عدالت» موضوع مورد بررسی قرار گیرد، نظر دوم برتر است زیرا در این­جا یک نفر به ناحق حقوق سایرین را تضییع کرده است؛ بنابراین، باید قابل مجازات باشد. از طرف دیگر اگر از دید حقوقی صِرف به موضوع نگاه شود باید نظر اول ترجیح داده شود زیرا در حالتی که دو نظریه از لحاظ قوت و ضعف مساوی باشد، باید نظریه­ی را پذیرفت که بیشتر به نفع متهم تمام شود(صادقی، 1392: 192).

**موضع قوانین جزایی افغانستان**: قانون جزا و کدجزای افغانستان صراحتاً حکمی در این زمینه بیان ننموده است ولی بررسی مواد قانون مدنی افغانستان نشان می­دهد که اگر شریک در مال مشاع با سوء نیت تصرف نماید یا بدون اذن و رضایت شرکای دیگر، مال مشترک را تصاحب، استعمال، پنهان یا تلف نماید، به دو دلیل مرتکب جرم خیانت در امانت دانسته می­شود. دلیل اول: معمولاً شرکاء اموال مشاع را یا با توافق یا بوسیله قرارداد به یکدیگر تسلیم می­کنند، این تسلیمی نوعی امانت دانسته می­شود زیرا در این زمینه ماده 1941قانون مدنی چنین تصریح می­کند: « حصۀ یکی از دو شریک در دست شریک دیگر حیثیت امانت را داشته، در صورتی­که بدون قصور او از بین برود، ضامن شناخته نمی­شود». طبق این ماده مال مشاع نزد شریک امانت است. پس رابطه مالکیت شریک در مال مشاع، به یک رابطه امانی تبدیل می­شود. دلیل دوم: جرم خیانت در امانت یک جرم مقید است یعنی بدست آمدن نتیجه شرط تحقق جرم دانسته می­شود و نتیجۀ مجرمانه هم در این جرم آن است که امین ضرری به مالک یا متصرف قانونی مال برساند. در قانون مدنی به شریک حق استفاده و تصرف را تا جایی داده است که منجر به ضرر شریک یا شرکاء دیگر نگردد این مسأله در ماده 1935 قانون مدنی کشور بدین نحو بیان شده است:« هرگاه ملکیت عین، بین دو نفر یا زیاده از آن مشاع باشد، هر یک از آنها به اندازۀ حصۀ خویش از آن حق استفاده داشته و می­تواند در آن طوری تصرف نماید که به شریک دیگر ضرر عاید نگردد. هم­چنان در صورتی­که مقدار مشاع معلوم باشد بیع و بهره برداری و استعمال آن به صورت مشاع جواز دارد مشروط بر این­که به حقوق سایر شرکاء ضرر عاید نگردد». پس نتیجه به دست می­آید که تصرف شریک در مال مشترک در صورتی که با سوء نیت باشد، سبب تحقق جرم خیانت در امانت می­شود.

**نتیجه مجرمانه در جرم خیانت در امانت**

چون خیانت در امانت از جمله جرایم مقید است تحقق آن منوط به این­است که عمل یا امتناع از عمل مرتکب، منتهی به نتیجه خاص شود. نتیجه جرم در کدجزا چنین تعریف شده است: « نتیجه جرم عبارت از محصول عمل جرمی است که از اثر ارتکاب فعل جرمی یا امتناع از اجرای فعل قانونی به وجود می­آید»( ماده 35 کدجزا).

نتیجه جرم خیانت در امانت، ایجاد ضرر به مالک یا متصرف قانونی مال است؛ چنا­ن­چه قسمت آخر ماده ۷۲۰ کدجزا (......که به صاحب مال ضرری وارد شود......) به این موضوع صراحتاً اشاره کرده است البته ممکن است خیانت کننده از عمل خود منفعتی نیز کسب کند اما شرط نیست که خیانت کننده حتما کسب منفعت کند زیرا تفاوت جرم خیانت در امانت با جرم فریبکاری از لحاظ نتیجه در همین نکته است که نتیجه جرم فریبکاری ایجاد ضرر به فریب خورده و کسب منفعت به فریبکار می­باشد در حالی­که در جرم خیانت در امانت همین کافی است که به مالک یا متصرف قانونی مال، ضرری وارد شود. نتیجه مجرمانه جرم خیانت درامانت بستگی به نوع رفتار فیزیکی مرتکب دارد. اگر رفتار مجرمانه( استعمال، تصاحب و تصرف ) باشد، به نظر می­رسد نتیجه­ی که حاصل می­شود کسب منفعت برای خائن و ایجاد ضرر به مالک یا متصرف قانونی مال باشد اما اگر رفتار مجرمانه تلف نمودن یا پنهان­کردن مال باشد در این صورت نتیجۀ حاصله ممکن است تنها ایجاد ضرر به مالک یا متصرف قانونی مال و یا هم همراه با کسب منفعت برای خائن باشد. مثلاً: اگر خائن سندی را که نزدش امانت است به دلیل این­که محتوای سند به ضررش می­باشد، تلف سازد یا پنهان کند؛ نتیجۀ این جرم ایجاد ضرر به مالک سند و کسب منفعت برای خائن است. اما اگر صرفاً خائن به قصد وارد کردن ضرر به مالک یا متصرف قانونی مال، این اعمال مجرمانه را مرتکب شود، نتیجه صرفاً ایجاد ضرر خواهد بود .

نکتۀ مهم این­که هر جا که « ضرر» منتفی باشد، جرم خیانت در امانت نیز منتفی خواهد بود. به همین سبب ذبح کردن حیوان سپرده شده­ای که در شرف هلاکت است یا فروختن مواد غذایی یا اشیایی که در شرف خراب شدن باشد یا چیدن میوه­های سپرده شده­ای که در آستانه خراب شدن بر روی درخت بوده به قصد کنار گذاشتن پول­آن­ها برای صاحب میوه­ها، خیانت در امانت محسوب نمی­شود؛ چرا که تصرف در این امور امانی به دلیل جلوگیری از ورود « ضرر» به مالک مال صورت گرفته است. سؤالی که در این جا مطرح می­شود این که آیا امین مکلف است میوه­های در حال خراب شدن یا حیوان در حال هلاکت را بفروشد و از ورود ضرر به مالک مال جلوگیری نماید؟ در جواب بایدگفت: بلی، امین مکلف است با مال امانت چنان برخورد نماید که با مال خود برخورد می­کند(ماده 1612 قانون مدنی )..

قابل یاد آوری است که ضرر در این­جا منحصر به ضرر مادی نیست بلکه شامل ضرر معنوی نیز می­شود. ضررمعنوی، ضرری است که نتایج زیان­بار عمل مجرمانه موجب هتک حرمت یا کسر حیثیت و اعتبار یا موقعیت و مقام و حسن شهرت مجنی­علیه بشود( ولیدی، 1387: 194 ). مانند این­که وکیل مدافعی مهر وکالت خویش را به امانت نزد شخصی می­گذارد، شخص به ظاهر امین از این مهر در یک دفاعیه سؤ استفاده نموده و از این ناحیه شخصیت و کیل مدافع خدشه دار می­گردد؛ این سؤ استفاده از مهر دیگری جرم خیانت در امانت دانسته شده و قابل مجازات است. فقره(2) ماده 721 کدجزا این موضوع را چنین تأیید می­کند: « ....هرگاه موضوع جرم قابل سنجش به پول نباشد، مرتکب حسب احوال، به حبس قصیر یا متوسط یا جزای نقدی از سی هزار تا سه صد هزار افغانی، محکوم می­گردد».

**رابطه سببیت**

در حقوق جزا دو نوع رابطه سببیت وجود دارد. یکی رابطه سببیت مادی و دیگری رابطه سببیت قانونی (منصوری، 1394:3). در این جا منظور از رابطه سببیت، رابطه سببیت مادی است. رابطه سببیت یکی از اجزای عنصر مادی جرم دانسته شده است. بگونه­ای که در صورت نبود این رابطه، جرمی نخواهد بود« رابطه سببیت عبارت از موجودیت رابطه متعارف میان عمل جرمی و نتیجۀ آن می­باشد»(ماده 37 کدجزا). رابطه سببیت دارای دو رکن است یکی فعل نامشروع و دیگری نتیجۀ مجرمانه. این بدان معناست که بدون عمل نامشروع و نتیجه، رابطه سببیتی نیست( نجیب­حسنی،1386: 53).

برای تحقق جرم خیانت در امانت باید بین عمل خائن ( استعمال، تصاجب، تصرف، پنهان­نمودن و تلف کردن مال) و نتیجۀ حاصله ( ایجاد ضرر به مالک یا متصرف قانونی) رابطه سببیت وجود داشته باشد، در صورت نبود یا قطع این رابطه، جرم خیانت نیز منتفی خواهد بود. مثلاً: شخصی مبایل و لب­تاب خود را به دیگری جهت حفاظت به امانت می­دهد و شخص امین این اموال را در الماری گذاشته و محفوظ می­کند. از قضا و تقدیر، کابل برق شارتی می­کند و خانه این شخص آتش می­گیرد و تمام اموال از جمله اموال امانی در آتش­سوزی از بین می­رود. در این جا بین عمل امین و ایجاد ضرر به مالک مال، هیچ رابطۀ وجود ندارد. پس امین مسؤل نیست و ماده 1614 قانون مدنی در این زمینه قبلا اشاره شد. اما اگر شخص به ظاهر امین، اموال امانی را قصداً آتش بزند، چون بین آتش زدن اموال و ورود ضرر به مالک رابطه سببیت وجود دارد، شخص، مرتکب خیانت در امانت شناخته می­شود زیرا اگر امین اموال را آتش نمی­زد، مالک مال متضرر نمی­شد.

**عنصر معنوی جرم خیانت در امانت**

جرایم بر اساس عنصر معنوی به دو دسته تقسیم می­شوند: جرایم عمدی و جرایم غیرعمدی. خیانت در امانت یک جرم عمدی بوده که به صورت خطا واقع نمی­شود زیرا عنصر معنوی ابن جرم عبارت از قصد جرمی است. قصد جرمی که از آن به سوء نیت نیز تعبیر می­شود به دو نوع است. یکی سؤ نیت عام و دیگری سؤ نیت خاص. سؤنیت نیت عام به رفتار فیزیکی که متهم مرتکب شده است مربوط شده و عبارت از این­است که خائن یکی از اعمال پنج­گانه: ( استعمال، تصاحب، تلف، تصرف و یا پنهان نمودن مال مورد امانت) را عمداً و از روی قصد و اراده انجام داده باشد. مثلاً: شخص هم موضوع را بداند و هم­ عمل را از روی اشتباه و سهو، بی­هوشی، خواب یا اجبار و اکراه انجام نداده باشد.منظور از **سوء نیت خاص** آن است که مرتکب این اعمال را به قصد رسیدن به نتیجه جرمی که همان ایجاد ضرر به مالک یا متصرف قانونی و یا کسب منفعت برای خودش است، انجام داده باشد.

**مجازات جرم خیانت در امانت**

قبلا اشاره شد از لحاظ مجازات، خیانت در امانت در قانون جزای 1355 یک جرم جنحوی و در حالات خاص یک جنایت محسوب می­شد. اما این جرم درکدجزای 1396 صِرفاً یک جرم جنحوی است که حداکثر مجازات پیش­بینی شده برای این جرم، حبس متوسط می­باشد. شیوه­ی تعیین مجازات در کدجزا نسبت به قانون جزا دقیق­تر است. مجازات این جرم در ماده 466 قانون جزا به صورت کلی حبس متوسط و جزای نقدی بین 12 تا 60 هزا ر افغانی پیش­بینی شده بود ولی معیار تعیین مجازات درکدجزا، با درنظرداشت ارزش مال خیانت شده سنجیده می­شود و این نوآوری درکدجزا با قاعده­ی تناسب جرم و مجازات هماهنگی و هم­خوانی دارد و مانع سوء استفاده می­شود یعنی در جریان محاکمه؛ اگر ارزش موضوع جرم خیانت در امانت، ده هزار افغانی باشد، محکمه نمی­تواند مرتکب را به حبس متوسط محکوم نماید. در حالی­که در قانون جزا این احتمال و امکان وجود داشت.

ماده 721 کدجزا در زمینه مجازات چنین مشعر است: « فقره (1): مرتکب جرم خیانت در امانت قرار ذیل، مجازات می­گردد:1- در صورتی­که ارزش موضوع جرم تا ده هزار افغانی باشد، به جزای نقدی تا سی هزار افغانی. 2- در صورتی که ارزش موضوع جرم بیش از ده هزار تا یک­صد هزار افغانی باشد، به حبس قصیر یا جزای نقدی از سی­هزار تا شصت­هزار افغانی. 3- در صورتی­که ارزش موضوع جرم بیش از یک­صد هزار تا یک میلیون افغانی باشد، به حبس متوسط تا دو سال یا جزای نقدی بیش از شصت هزار تا یک­صد و بیست هزار افغانی. 4- در صورتی­که ارزش موضوع جرم بیش از یک میلیون تا ده میلیون افغانی باشد، به حبس متوسط تا سه سال یا جزای نقدی بیش از یک صد و بیست هزار تا یکصدو هشتاد هزار افغانی. 5- در صورتی که ارزش موضوع جرم بیش از ده میلیون افغانی باشد، به حداکثر حبس متوسط. فقره (2): در حالات مندرج فقره (1) این ماده هرگاه موضوع جرم قابل سنجش به پول نباشد، مرتکب حسب احوال به حبس قصیر یا متوسط یا جزای نقدی از سی هزار تا سه صد هزار افغانی محکوم می­گردد».

دیده می­شود قانون­گذار در چهار جزء فقره اول این ماده تعیین نوع مجازات را یک حالت اختیاری در نظر گرفته که قاضی می­تواند با در نظر داشت مؤلفه های تأثیرگذار ( وضعیت روحی، خانوادگی و اجتماعی مرتکب و همچنین سابقه و شیوه­ی ارتکاب جرم...) یکی از مجازات حبس یا جزای نقدی را انتخاب نماید؛ طوری­که به اهداف مورد نظر دست یابد. اما در جزء پنجم این فقره، خیانت به بیش از ده میلیون افغانی را جرم شدید تلقی نموده و صرفاً مجازات حداکثر حبس متوسط (5 سال) را پیش­بینی نموده است.

فقره دوم این ماده به خیانت در امانتی اشاره دارد که قابل سنجش به پول نیست بلکه ارزش معنوی موضوع جرم مد نظر قرار دارد یعنی اگر در تمام موارد پنج­گانه فقره (1) این ماده جرم خیانت در امانت اتفاق بیافتد و موضوع جرم قابل محاسبه و سنجش به پول نباشد، مجازات مرتکب حسب احوال، حبس قصیر، حبس متوسط یا جزای نقدی از سی­هزار تا سه ­صد هزار افغانی تعیین خواهد گردید. مثلا: شخص امین مهر یک اداره معتبر را در اختیار دارد و نامه درخواستی برای صدور ویزا به یکی از سفارت­خانه­ها می­نویسد و برای این­که نامه او اعتبار پیدا کند از مهر امانتی اداره استفاده می­کند. در این صورت امین مرتکب جرم خیانت در امانت شده است و استعمال مهر توسط او یکی از مصادیق جرم خیانت در امانت دانسته می­شود و مجازات آن حسب احوال بر اساس فقره(2) ماده 721 کدجزا تعیین می­گردد.

توجه به این نکته ضروری است که خائن امانت علاوه بر مجازات اصلی مندرج ماده 721 کدجزا، بر اساس ماده 14 کدجزا، اگر از طریق این جرم مالی را بدست آورده باشد، به رد عین و اگر مال موجود نباشد به رد مثل یا قیمت آن به مالک نیز محکوم می­گردد. و اگر شخص خائن به اثر ارتکاب جرم خیانت خسارۀ را به مالک یا متصرف قانونی مال وارد ساخته باشد علاوه بر جزای معینه قانونی به جبران خساره وارده اعم از مادی و معنوی نیز محکوم می­گردد. این موضوع در ماده 6 قانون جزا نیز پیش­بینی شده بود. جرم خیانت در امانت مجازات تبعی ندارد و در مورد مجازات تکمیلی باید گفت که اگر محکمه بخواهد می­تواند حسب ماده 179 کدجزا، برای خائن مجازات تکمیلی در نظر بگیرد.

**حالات مشدده جرم خیانت در امانت**

رعایت اصل تناسب جرم و مجازات و تطبیق عدالت اقتضاء می­نماید که در برخی حالات، مجازات جرم تشدید یابد. اصولا تشدید مجازات برای حفظ نظم و حقوق عمومی، رعایت مصلحت اجتماعی و جلوگیری از ارتکاب جرایم بسادگی است( نوروزی فیروزی، 1390 : 308). برمبنای قواعد عام در قوانین جزایی افغانستان (مواد 210 و 218 کدجزا )، جرایم دارای کیفیات مشدده عمومی و اختصاصی هستند.. کیفیات مشدده عمومی مربوط به تمام جرایم می­شود اما کیفیات مشدده خصوصی مربوط به هر جرم خاص است که در برخی موارد به مرتکب جرم، به نحوه ارتکاب جرم، خصوصیات مجنی­علیه و زمان و مکان، میزان موضوع جرم و... ارتباط می­گیرد.

جرم خیانت در امانت به استناد فقره (2 و 3 ) ماده 466 قانون جزا و ماده 723 کدجزا، دارای احوال مشدده عمومی و اختصاصی می­باشد. از احوال مشدده عمومی این جرم دو مورد؛ یکی ارتکاب جرم با استفاده از ناتوانی جسمی یا روانی مجنی علیه و دیگری ارتکاب جرم از طرف شخصی­که مؤظف به حفظ تمامیت جسمی، روانی، آزادی و نگهداری مال مجنی­علیه باشد، اشاره شده است(ماده 218 کدجزا). طبق ماده 210 کدجزا، احوال مشدده اختصاصی این جرم به خصوصیت مرتکب جرم بر می­گردد یعنی قانون­گذار اشخاصی را به عنوان مرتکبین خاص این جرم معرفی نموده است. تعیین کیفیات و حالات مشددۀ این جرم در قانون جزا و کدجزا تفاوت دارد.

فقره(2) ماده 466 قانون جزا، خصوصیت مرتکب را مدنظر گرفته اما در برخی موارد موجب تشدید مجازات ندانسته است؛ چنان­چه در این فقره آمده است: « هرگاه جرم مندرج فقرۀ فوق توسط یکی از اشخاص آتی در مورد مالی­که به مقتضای وظیفه به وی سپرده شده ارتکاب گردد، مرتکب به حبس متوسط که از دو سال بیشتر نباشد، محکوم می­گردد: 1- صاحب پیشه حمل و نقل اموال اعم از طریق زمین، هوا و آب یا یکی از همکاران وی. 2- وکیل مدافع، دلال یا صراف. 3- مأمور، اجیر، مستخدم». البته این قانون، مسؤلیت جزایی برخی مرتکبین را شدید دانسته تا حدی که به عنوان یک جنایت قلمداد نموده و برایش مجازات حبس طویل الی هفت سال پیش­بینی نموده است« شخصی­که به امر محکمه مالی به او سپرده شده یا بر قاصر یا فاقد اهلیت وصی یا قیم تعیین شده باشد یا در یکی از مؤسسات خیریه مسؤل اداره اموال مؤسسه باشد مرتکب یکی از جرایم مندرج فقره(1) این ماده گردد، به حبس طویلی که از هفت سال بیشتر نباشد، محکوم می­گردد»( فقره 3 ماده 466 قانون جزا). زیرا در این حالت مرتکب، از ضعف ادراک قاصر یا فاقد اهلیت سؤ استفاده می­کند. بناءً مجازات آن به حکم این ماده تشدید می­شود.

در کدجزا نیز خصوصیت مرتکب یکی از حالات مشدده این جرم دانسته شده و مجازات آن تشدید گردیده است. چنان­چه ماده 723 کدجزا چنین صراحت دارد: « ارتکاب جرم خیانت در امانت توسط یکی از اشخاص ذیل مشدده شناخته شده، مرتکب به حداکثر مجازات جرم ارتکابی، محکوم می­گردد: 1- شخصی­که به امر محکمه، مالی به او سپرده شده یا بالای قاصر یا فاقد اهلیت، وصی یا قیم تعیین شده باشد یا شخصی­که به صفت نماینده قانونی تعیین گردیده در اموالی که به وی سپرده شده است مرتکب جرم خیانت در امانت گردد. 2- حمال، راننده واسطۀ حمل و نقل یا شخصی­که به هر نحوی مکلف به حمل و نقل مال یا تسلیمی ان به مالک یا نماینده قانونی وی باشد. 3- وکیل مدافع، دلال، رهنمای معاملات، صراف یا کمیشن کار در رابطه به اسنادی که به آن­ها به امانت سپرده شده است». مقایسۀ فقرات ( 1 و 2 ) ماده 466 قانون جزا و ماده 723 کدجزا در مورد حالات مشدده در جرم خیانت در امانت نشان می­دهد که تغییرات کلی در زمینه بوجود آمده است.

**صور خاص جرم خیانت در امانت**

در قانون جزای 1355 و کدجزای 1396 قانون­گذار، علاوه بر پیش­بینی حکم عام خیانت در امانت، احکام برخی دیگر از جرایمی را که از خانوادۀ خیانت در امانت محسوب می­شوند هم در نظر گرفته است و تحت عنوان جرایم در حکم خیانت در امانت قرار داده است. در قوانین مذکور دو مورد از صور خاص خیانت در امانت تذکر رفته است. یکی خارج ساختن مال از حیازت فروشنده ماده 468 قانون جزا و ماده 722 کدجزا و دیگری جرایم در حکم خیانت در امانت در ماده 467 قانون جزا و ماده 724 کدجزا پیش­بینی شده است. ذیلا به توضیح مختصر آن پرداخته می­شود.

**خارج ساختن مال از حیازت فروشنده**

در جرم خیانت در امانت حیثیت عمومی جرم بر حیثیت خصوصی آن غلبه دارد و اصل بر غیرقابل گذشت و عمومی بودن این جرم است اما استثناءً ارتکاب این جرم علیه اقارب« زوج و زوجه و اصول و فروع آن­ها برای یکدیگر الی درجه دوم، پدر، مادر و اصول آن­ها الی درجه دوم و برادر، خواهر، کاکا، ماما، خاله، عمه و فروع آن­ها الی درجه دوم»( جزء17 ماده 4 قانون اجراآت جزایی)، مطابق ماده 63 قانون اجراآت جزایی 1393 و اشخاص مندرج ماده 722 کدجزا ( فروشنده و مشتری) قابل گذشت است یعنی اگر اشخاص فوق الذکر شکایت کنند، جرم قابل تعقیب و اگر شکایت نکنند، قابل تعقیب و مجازات نیست. مقایسه مواد 468 قانون جزا و ماده 722 کدجزا نشان می­دهد که کدجزا در این خصوص نوآوری دارد یعنی علاوه بر بایع (فروشنده)، مشتری نیز حق شکایت دارد یعنی هرگاه فروشنده در مال فروخته شده طوری تصرف نمایدکه ضرری به مشتری عاید گردد یا مشتری قبل از پرداخت کل قیمت مال در آن تصرف نماید، تعقیب دعوی منوط به شکایت مشتری یا فروشنده است. هم­چنین قانون جزا در مورد تعیین وصف جرم ساکت بود ولی کدجزا، این عمل را جرم در حکم خیانت در امانت خوانده است. زیرا مطلقاً مال متعلق به غیر نیست بلکه هردو فروشنده و مشتری سهمی در مال دارند.

قانون­گذار جرایم در حکم خیانت در امانت را منحصر به موارد مندرج ماده 722 ندانسته بلکه در ماده 724 موارد دیگری را تحت عنوان ( جرایم در حکم خیانت در امانت ) جرم انگاری نموده است با این تفاوت که مجازات مرتکبین در این ماده متفاوت از حالت خاص مندرج ماده 722 پیش­بینی شده است.

**جرایم در حکم خیانت در امانت:** هرگاه در عنصر مادی و اجزای تشکیل­دهندۀ جرم خیانت در امانت نقص و یا خللی وجود داشته باشد، جرایم در حکم خیانت در امانت دانسته می­شود. اعمالی در قانون جزا و کدجزا به صورت خاص تحت عنوان جرایم در حکم خیانت در امانت جرم انگاری شده است. ماده 467 قانون جزا در این مورد چنین صراحت دارد: « هرگاه مالک مال منقول که اموال او به قرار محکمه تحت حجز قرار گرفته یا تحت تصرف قضا گذاشته شده باشد. مالک مذکور مال را به سوء نیت برای خود یا منفعت شخص دیگری استعمال یا در آن تصرف نماید یا آن را پنهان کند یا برای شخصی­که در مال مذکور حق مطالبه را از وی داشته باشد، تسلیم ننماید به نحوی که غرض اجراآت اتخاذ شده در مورد مال برآورده شده نتواند به حبس قصیری­که از سه ماه کمتر نباشد یا جزای نقدی که از سه هزار افغانی کمتر و از دوازده هزار افغانی بیشتر نباشد، محکوم می­گردد. فقره (2): اگر گروگیرنده مال منقول، مرهونه را نزد مالک آن به امانت بگذارد و مالک مذکور برای خود یا منفعت خود یا منفعت شخص دیگر به سؤنیت استعمال یا برخلاف غرضی که به او سپرده شده، تصرف نماید به عین جزای پیش­بینی شدۀ فقرۀ فوق محکوم می­گردد». مثلا: شخصی موتری را به رهن می­گیرد از قضا مریض می­شود و موتر را واپس نزد مالک موتر به امانت می­گذارد. اگر مالک موتر، مرهونه را خود جهت رفتن به تفریح یا عروسی استعمال کند یا آن را جهت استفاده همسایه اش به عاریت بدهد، مرتکب جرم خیانت در امانت شده و مشمول این ماده می­گردد.

ماده 724 کدجزا نیز در این خصوص تحت عنوان « جرایم در حکم خیانت در امانت» چنین مشعر است: « اعمال ذیل در حکم خیانت در امانت شناخته شده، مرتکب به حبس قصیر یا جزای نقدی از ده هزار تا شصت هزار افغانی، محکوم می­گردد: 1- در صورتی­که مالک مال منقول که اموال وی به حکم قانون یا قرار محکمه تحت حجز قرار گرفته یا تحت تصرف قضا گذاشته شده باشد مال را به سوءنیت برای خود یا منفعت شخص دیگری استعمال یا در آن تصرف نماید یا آن را پنهان کند یا برای شخصی که در مال مذکور حق مطالبه را از وی داشته باشد، تسلیم نکند، به نحوی که منظور اجراآت اتخاذ شده در مورد مال بر آورده شده نتواند. 2- در صورتی­که گروگیرنده مال مرهونه را نزد مالک آن به امانت بگذارد و مالک مذکور برای خود یا منفعت شخص دیگر، آن را به سؤنیت استعمال یا برخلاف مقصدی که به او سپرده شده، در آن تصرف نماید».

بررسی مواد فوق الذکر نشان می­دهد که هرگاه تعلق مال به طور یقینی به غیر مشخص نباشد و این اموال در اختیار شخص به حکم قانون یا حکم محکمه قرار گیرد که از آنها محافظت کند یا برای شخص مورد نظر تسلیم نماید و شخص به ظاهر امین این عمل را اجرا نکند و خود در آن تصرف نموده یا آن را پنهان سازد،. یا اگر شخصی مالی را به رهن بگیرد ولی نظر به مشکلات شخصی واپس آن را نزد صاحبش جهت محافظت الی رفع مشکل بسپارد و راهن آن را به سوء نیت استعمال یا بر خلاف غرضی که به او سپرده شده در آن تصرف نماید، مرتکب جرم شده طبق قانون قابل مجازات دانسته می­شود.

**نتیجه­گیری**

در افغانستان قانون­گذاران با استفاده از مدل­های قانون­گذاری دیگرکشورها خیانت در امانت را در قوانین جزایی متعدد، جرم انگاری نمودند. چنان­چه فصل هفدهم باب دوم قانون جزای 1355 طی سه ماده و فصل سوم از باب نهم کدجزای 1396 طی پنج ماده به طور مستقل خیانت در امانت را به عنوان یکی از جرایم علیه اموال و مالکیت جرم انگاری نموده و قابل مجازات دانسته اند. در این راستا قوانین جزایی در مسألۀ خیانت در امانت به تأسی از موازین فقهی و با حفظ تمام ضمانت­های مدنی از قبیل رد مال یا مثل یا قیمت یا جبران خساره از طرف امینی که مرتکب تعدی و تقصیر نسبت به اموال امانت شده است، این عمل را در قالب اصطلاحات: تصاحب، استعمال، تصرف، پنهان­نمودن و تلف کردن عمدی مال مورد امانت از جانب امین، قابل تعقیب عدلی و مجازات شناخته اند.

بررسی جرم خیانت در امانت در کدجزا و قانون جزا نشان می­دهد که از لحاظ عنصر قانونی، جرم خیانت در امانت در قانون جزا، اصولاً یک جرم جنحوی و استثناءً جنایت دانسته شده است ولی در کدجزا، ارتکاب این جرم در همۀ احوال یک جرم جنحوی است. از لحاظ عنصر معنوی در هر دو قانون، خیانت در امانت یک جرم عمدی است که وجود قصد جرمی شرط تحقق آن است. از لحاظ عنصر مادی، در هردو قانون، این جرم یک جرم آنی و مقید بوده که برای تحقق آن حصول نتیجۀ مضر به حال مالک یا متصرف قانونی مال مورد امانت، ضروری است. اما تفاوت­های چشم­گیری در اجزای عنصرمادی این جرم، در قانون جزا و کدجزا وجود دارد که نتیجه­وار به آن اشاره می­شود.

جرم خیانت در امانت مستقیماً در قانون جزا و کدجزا تعریف نشده است بلکه قوانین جزایی مذکور در تعریف این جرم از شیوه­های متفاوت استفاده کرده اند. طوری­که قانون جزا برای تعریف این جرم، مصادیق و مجازات جرم خیانت در امانت را ذکر نموده و کدجزا مرتکب جرم خیانت در امانت را معرفی نموده است. موضوع جرم خیانت در امانت در قانون جزا، صرفا مال منقول تذکر رفته در حالی­که موضوع این جرم در کدجزا، توسعه یافته و شامل: پول، مال منقول، سند، مهر و یا امضاء می­شود. رفتار مجرمانه در قانون جزا، منحصر به اعمال سه­گانه: استعمال، تصرف و پنهان­نمودن مال مورد امانت است در حالی­که رفتار مجرمانه در کدجزا وسعت بیشتری نموده و شامل اعمال پنج­گانه از جمله: استعمال، تصاحب، تصرف، پنهان­نمودن و تلف­کردن عمدی می­گردد. در قوانین جزایی مذکور، مفقود کردن مال امانی جزء رفتارهای مجرمانه در این جرم دانسته نشده است چون به نظر می­رسد عمل مفقود­ یک امر خطایی باشد و اگر شخصی عمداً این عمل را انجام دهد، عمل وی تلف نمودن عمدی مال محسوب می­شود.

طرق سپردن مال به امین در قانون جزا، به صورت کلی آمده و منحصر به طرق خاصی نگردیده است در حالی طرق قانونی سپردن مال به امین در کدجزا، معین گردیده و می­تواند مشمول موارد: توافق، قرارداد، حکم قانون و یا حکم محکمه باشد. هم­چنین از نتیجه مجرمانه در قانون جزا، صراحتاً ذکری به عمل نیامده اما در کدجزا، صراحتا قید شده که جرم خیانت در امانت زمانی تحقق می­یابد که از عملکرد امین ضرری به مالک مال یا متصرف قانونی آن برسد، چه خائن امانت، منفعتی کسب کند یا نکند. هرچند اکثر انواع رفتار مجرمانه نشان­دهندۀ آن است که خائن امانت معمولاً منفعتی را کسب می­کند. علاوه بر آن در کدجزا تصریح گردیده که ورود ضرر منحصر به ضرر مادی نیست بلکه اضرار معنوی را نیز شامل می­شود.

مجازات خائن امانت در قانون جزا به طور کلی و مبهم ذکر شده ولی درکدجزا مرتکب خیانت در امانت به تناسب ارزش مال مورد امانت مجازات می­شود البته برخی حالات نیز پیش­بینی گردیده که سبب تشدید مجازات خائن می­گردد. هم­چنین در قانون جزا، جرایم در حکم خیانت در امانت مشخصاً معرفی نشده و حالات مشدده آن کلی و مبهم ذکر گردیده در حالی­که جرایم در حکم خیانت در امانت در کدجزا در مواد مشخص، تصریح گردیده و به صورت واضح حالات مشدده این جرم نیز تبیین گردیده است.

**منابع و مأخذ**

القرآن الکریم

**کتب:**

1.الهی منش، محمدرضا و اوجقاز، محمد محسن مرادی(1397). **جرایم علیه اموال و مالکیت**، تهران، انتشارات مجد.

2. بجنوردی، سید میرزا حسن(1383). **القواعد الفقهیه**، قم جلد2،

3. جعفری لنگرودی، محمد جفعر(1388). **ترمینولوژی حقوق**، تهران، گنج دانش،

4. حیدری، علی مراد (1396). **جرایم علیه اموال و مالکیت**، قم، دانشگاه حضرت معصومه.

5. حبیب­زاده، محمد جفعر(بی­تا). **حقوق جزای اختصاصی**( جرایم علیه اموال)، تهران، انتشارات رشد.

6.. دستغیب، عبدالحسین(1363). **گناهان کبيره**، تهران، انتشارات اسلامي.

7. زراعت، عباس(1385). **حقوق جزای اختصاصی2**، تهران، نگین قم.

8. زراعت، عباس(1392). **حقوق جزای عمومی ا و 2 ،** تهران، انتشارات جاودانه.

9. ژوبل، محمد عثمان(( بی­تا) **مجموعه قواعد و مسایل فقهی مجله الاحکام العدلیه**، جلددوم.

10. کاتوزیان ناصر(1378**). عقود اذنی- وثیقه های دین**، تهران، ناشر: شرکت سهامی.

11.گلدوزیان، ایرج(1382). **حقوق جزای اختصاصی**، تهران، انتشارات دانشگاه تهران،

12 . معین محمد(1387). **فرهنگ فارسی**، تهران ، نشر فرهنگ نما،

13. میرمحمد صادقی حسین(1392). **جرایم علیه اموال و مالکیت**، تهران، انتشارات بنیاد حقوقی میزان.

14. نجیب­حسنی محمود(1386). **رابطه سببیت در حقوق کیفری**، مترجم: سید علی عباس­نیای زارع، مشهد، انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی محمد

15. نوروزی فیروز، رحمت الله(1390) **حقوق جزای عمومی**« مجازات»، چاپ اول، نشر میزان.

16. ولیدی، محمد صالح(1387). **حقوق جزای اختصاصی**، جلداول، تهران، انتشارات امیر کبیر.

**مقاله:**

17. منصوری، انارگل(1394). **بررسی رابطه سببیت در حقوق جزای افغانستان**، مجله اندیشه، پوهنتون هرات، شماره 80.

**قوانین:**

18. کدجزا(1396). 1260 جریده رسمی.

19. قانون جزا(1355). 347 جریده رسمی.

20. قانون مدنی(1355). 353 جریده رسمی، جلد اول.

21. قانون مدنی(1355). 353 جریده رسمی جلد سوم.

22. قانون اجراات جزایی(1393). 1132 جریده رسمی.

**A study of defalcation crime: penal code of 1396 and penal Law of 1355 of Afghanistan**

Anargul Mansuri

Teaching Assistant

Faculty of Law and Political Science.

**Abstract**

Trust worthiness is one of the legal possessions, the law, sharia and morality dictate that the depository trustee should protect the trust property in a way that pays attention to his property. According to article 1612 of the civil code and article 768 of Majalla-al-ahkam Trust worthiness doesn’t have guarantee when it disturbed without the depository trustee fault or action.

This article’s goal is to investigate the strengths and weaknesses of the law and understanding the defalcation crime in the 1355 penal code and 1396 Pinal code of Afghanistan, using a descriptive analytical research method and tried to answer the question whether betrayal in all trust worthiness is a crime? What are criminal behavior? What will be the criminal and financial responsibility of the offender of this crime? And finally what are the commonalities and differences between the above rules? The result of studies and analysis of the articles of the mentioned rules show that the limits of criminal acts in the law are different. As the crime of defalcation in the Penal Code in 466, 467, 468, is a misdemeanor crime and exceptionally considered a crime and in 720 to 724 articles it is considered as a misdemeanor in all conditions. Also this crime is one of the immediate and restricted crimes. This crime was mentioned so vague in both laws and could be abused. In the penal law, the criterion for determining the punishment is the price and value of the property, and the penal law did not specifically define the specific types of the defalcation crime, but it is explicitly described in the penal code as the crime of treason or defalcation.

**Keyword:** Trust worthiness, crime, betrayal, Penal Code, Penal Law, punishment.

1. Mobile: 0729278940

   Email: [anargul\_mansuri@yahoo.com](mailto:anargul_mansuri@yahoo.com) [↑](#footnote-ref-1)